

بسم الله الرحمن الرحيم

99/08/08

موضوع: وحدت امت اسلامی، ضرورت اجتناب ناپذیر عصر حاضر

برنامه حبل المتین

فهرست موضوعات این برنامه:

معنای وحدت امت اسلامی در اندیشه و تفکر «شهید مطهری»

قرآن کریم و توجه جدی به مسئله وحدت اسلامی!

دیدگاه عجیب امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) درباره تفرقه افکنان میان امت اسلامی

دستور ویژه امام صادق (سلام الله علیه) به وحدت با اهل سنت!

وحدت نظر مراجع عظام تقلید، پیرامون تقریب مذاهب اسلامی!

بی مهری به «حدیث ثقلین»، عامل اصلی اختلافات مذهبی!

تماس بینندگان برنامه

کرسی های مناظره و آزاد اندیشی، راهی برای درمان تفرقه مذهبی!

آیا ائمه اطهار (علیهم السلام) از علوم دنیوی مثل پزشکی مطلع بودند؟!

مجری:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

امين و امن و مؤمن آنقدر دنيا خطابت کرد

خدا طاقت نیاورد و سرانجام انتخابت کرد

برای هر سری از روشنایت سایه بان می‌ساخت

که شب را پیش پایت سر برید و آفتابت کرد

حجاز وحشی زیبا ندیده دل به حسنت باخت

که بت‌ها را شکست و قبله دل‌ها حسابت کرد

خدا از چشم زخم مردمان ترسید پس یک شب

تو را تا آسمان‌ها برد و مثل ماه قابت کرد

عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر».

تبریک عرض می‌کنم خدمت شما این فرخنده ایام میلاد پرخیر و برکت رسول گرامی اسلام و امام صادق

(علیهما السلام). همچنین این ایام و هفته وحدت را خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند تبریک عرض

می‌کنم.

خیلی خرسندیم که در این شب‌های مبارک مهمان دیدگان پرفروغ شما هستیم و صد البته بسیار مفتخریم که در چنین شبی استاد بزرگوار حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی پیش ما هستند و از محضرشان بهره مند خواهیم شد. سلام علیکم و رحمة الله؛

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی که در هرکجای این کره خاکی بیننده این برنامه هستند یا تکرار برنامه را می‌بینند، خالصانه‌ترین سلام را همراه با آرزوی موفقیت روزافزون تقدیم می‌کنم.

فرارسیدن ایام ولادت رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و فرزند بزرگوارش امام صادق (علیه السلام) رئیس مذهب شیعه و بنیانگذار دانشگاه بزرگ اسلامی را به پیشگاه مقدس مولایمان حضرت بقیه الله الأعظم و همه علاقه مندان به اهل بیت عصمت و طهارت و شما بینندگان گرامی تبریک و تهنیت عرض می‌کنم.

خدا را به این دو نور پاک سوگند می‌دهم عیدی ما را فرج موفور السرور مولایمان حضرت بقیه الله الأعظم قرار بدهد.

همچنین فرارسیدن هفته وحدت را به همه آزادگان و آزاد اندیشان و متفکران و فرهیختگانی که شیفته وحدت میان امت اسلامی، بلکه ملت مسلمان و پیروان ادیان ابراهیمی هستند، تبریک و تهنیت عرض می‌کنم.

مجری:

ان شاء الله سلامت باشید. اگر بخواهیم بحثمان را شروع کنیم، مخصوصاً در همین ایام الحمد لله بینندگان مستحضر هستند مباحثی که مطرح می‌شود مباحث مبتلی به و مباحثی که بسیاری از اوقات حرف و حدیثشان در هر کوچه و برزنی انجام می‌شود.

اگر کسی یک مقدار پیگیر باشد، ممکن است زیاد به گوشش بخورد. همین بحث‌هایی که داغ هست بینندگان هم کاملاً مستحضر هستند که بیشتر به همین‌ها پرداخته می‌شود.

با توجه به اینکه هفته، هفته وحدت است و در این هفته وارد شدیم اگر بخواهیم با نگاه دقیق‌تر به این مطلب نگاه کنیم و بخواهیم ابتدا از آیات قرآن کریم آغاز کنیم، وحدت به چه معناست؟! ما ابتدا با آیات قرآن کریم شروع می‌کنیم تا به مابقی مطالب برسیم.

معنای وحدت امت اسلامی در اندیشه و تفکر «شهید مطهری»

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله

در رابطه با بحث وحدت، مسائل متعددی است که باید مورد بحث و بررسی قرار بگیرد و شاید در یک جلسه امکان این بررسی‌ها نباشد.

بنده در یک جمله به فرمایشاتی که «شهید مطهری» در کتاب امامت و رهبری دارند، اشاره می‌کنم. الحق و الانصاف ایشان نکات زیبایی دارد. ایشان مطالب اساسی را در اینجا مطرح می‌کند سپس می‌نویسد:

"مفهوم اتحاد اسلامی که در صد سال اخیر میان علما و فضیای مؤمن و روشنفکر اسلامی مطرح است، این نیست که فرقه‌های اسلامی به خاطر اتحاد اسلامی از اصول اعتقادی یا غیر اعتقادی خود صرف‌نظر کنند و به اصطلاح، مشترکات همه فرق را بگیرند و مختصات همه را کنار بگذارند. این کار نه منطقی است و نه عملی.

چگونه ممکن است از پیرو یک مذهب تقاضا کرد به خاطر مصلحت حفظ وحدت اسلام و مسلمین از فلان اصل اعتقادی یا عملی خود که به هر حال به نظر خود آن را جزو متن اسلام می‌داند، صرفنظر کند."

ایشان در ادامه جمله زیبایی دارد. عزیزان خوب دقت کنند که این جمله خطاب به کسانی است که در بحث وحدت، راه تفریط را گزیده‌اند و سنگر به سنگر عقب می‌آیند و امتیاز می‌دهند.

این جمله «شهید مطهری» همچنین خطاب به کسانی است که اصلاً برایشان وحدت معنا و مفهوم ندارد و بی‌مهابا به مقدسات دیگر مذاهب و دیگر ادیان می‌تازند و به بهانه‌های واهی کار خود را کار اسلامی می‌دانند. ایشان می‌نویسد:

"ما که خود شیعه هستیم و افتخار پیروی اهل بیت (علیهم السلام) را داریم، کوچک‌ترین چیزی حتی یک مستحب یا مکروه کوچک را قابل مصالحه نمی‌دانیم.

نه توقع کسی را در این زمینه می‌پذیریم و نه از دیگران انتظار داریم که به نام مصلحت و به خاطر اتحاد اسلامی از یک اصل از اصول خود دست بردارند.

آنچه ما انتظار و آرزو داریم این است که محیط حسن تفاهم به وجود آید تا ما که از خود اصول و فروعی داریم، فقه و حدیث و کلام و فلسفه و تفسیر و ادبیات داریم بتوانیم کالای خود را به عنوان بهترین کالا عرضه بداریم."

من از همه عزیزان تقاضا دارم به عبارتهای ایشان خوب دقت کنند. مطالب ایشان امروز باید ملاک کار ما باشد. ایشان در ادامه می‌نویسد:

"تا شیعه بیش از این در حال انزوا به سر نبرد و بازارهای مهم جهان اسلامی به روی کالاهای نفیس معارف اسلامی شیعه بسته نباشد. اخذ مشترکات اسلامی و طرد مختصات هر فرقه‌ای نوعی خرق اجماع مرکب است و

محصول آن چیزی است که قطعاً غیر از اسلام واقعی است، زیرا بالاخره مختصات یکی از فرق جزء متن اسلام است."

ایشان مباحث جبهه واحد و حزب واحد را مطرح می‌کند و در ادامه می‌نویسد:

"به هر حال طرفداری از تز «اتحاد اسلامی» ایجاب نمی‌کند که در گفتن حقایق کوتاهی شود. آنچه نباید صورت گیرد کارهایی است که احساسات و تعصبات و کینه‌های مخالف را برمی‌انگیزد، اما بحث علمی سروکارش با عقل و منطق است نه عواطف و احساسات."

این نکته بسیار زیبایی است که ایشان مطرح می‌کند. واقعاً این نکته باید مورد توجه همه علاقه‌مندان اعم از شیعه و سنی باشد.

ما اگر بحث وحدت را مطرح می‌کنیم، مراد از وحدت به تعبیر مقام رهبری این نیست که شیعه را سنی کنیم یا سنی را به طرف مذهب تشیع بکشانیم.

ما باید در بیاناتمان از بیان الفاظی که موجب اهانت و توهین به مقدسات دیگر مذاهب هست خودداری کنیم. ما باید مطالبمان را مستند و با منطق و استدلال بیان کنیم.

قرآن کریم و توجه جدی به مسئله وحدت اسلامی!

همچنین در قرآن کریم هم که سؤال عزیزمان هم بود، قرآن کریم در آیات متعدد بحث وحدت اسلامی را مطرح کرده است. خداوند متعال در سوره مبارکه آل عمران که اساسی‌ترین سوره در رابطه با بحث وحدت است، می‌فرماید:

(وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا)

و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام و هر گونه وسیله ارتباط دیگر) چنگ زنید و پراکنده نشوید.

سوره آل عمران (3): آیه 103

اعتصام به «حبل الله» از ضروریات است. اگر اعتصام به «حبل الله» صورت بگیرد، قطعاً تفرقه برچیده خواهد شد.

ان شاء الله ما عرض خواهیم کرد که اساسی‌ترین راهکار وحدت همین «حبل الله» است. آیا مراد از «حبل الله» چیست؟! مراد از «حبل الله» غیر از آنچه که نبی گرامی اسلام در «حدیث ثقلین» و «حدیث خلیفتین» و قضیه غدیر مطرح کرده است، چیز دیگری هست؟!!

اگر چیز دیگری هست آقایان بگویند تا ما هم استفاده کنیم. خداوند متعال در سوره مبارکه حجرات آیه دهم می‌فرماید:

(إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ)

مؤمنان برادر یکدیگرند، بنا بر این میان دو برادر خود صلح برقرار سازید.

سوره حجرات (49): آیه 10

خداوند همچنین در سوره مبارکه انعام آیه 65 اساساً بحث تفرقه را عذاب الهی معرفی می‌کند و می‌فرماید:

(قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيعًا وَ يَذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ)

بگو او قادر است که عذابی از طرف فوق یا از زیر پای شما بر شما بفرستد یا به صورت دسته‌های پراکنده شما را با هم بیامیزد، و طعم جنگ (و ناراحتی) را به هر یک از شما به وسیله دیگری بچشاند.

سوره انعام (6): آیه 65

قرآن کریم می‌فرماید: خداوند عالم در اثر گناه و معصیتی که مرتکب می‌شوید شما را دسته دسته می‌کند و میانتان تفرقه ایجاد می‌کند. در این زمینه حرف خیلی زیاد است و بنده به همین چند آیه اکتفا می‌کنم.

دیدگاه عجیب امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) درباره تفرقه افکنان میان امت اسلامی

بنده می‌خواهم نکته‌ای عرض کنم. بعضی آقایان مدعی هستند طرفدار امیرالمؤمنین اند و به خاطر محبت به امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه زهرا و دفاع از آن بزرگواران، شروع به اهانت و فحاشی به غیر شیعه می‌کنند و مقدساتشان را به باد استهزا می‌گیرند.

بنده از این افراد تقاضا دارم دقت کنند تا ببینند امیرالمؤمنین خود در این زمینه چه فرمایشاتی مطرح کرده است. حضرت در کتاب «نهج البلاغه» حکمت 183 می‌فرماید:

«مَا اخْتَلَفَتْ دَعْوَاتَانِ إِلَّا كَانَتْ إِحْدَاهُمَا ضَلَالَةً»

اتباع دو مذهب با هم اختلاف نمی‌کنند، مگر اینکه یقین داریم یکی از آنها در ضلالت است.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 502، ح

183

امکان ندارد در خصوص دو ملتی که با همدیگر اختلاف دارند بگوییم که هر دو بر حق هستند. هرکسی خود را محق می‌داند. امیرالمؤمنین می‌فرماید: دو نفر که با همدیگر اختلاف می‌کنند، قطعاً یکی از آنها راه ضلالت را در پیش گرفته است. حضرت همچنین در خطبه 127 می‌فرماید:

«وَ الزُّمُوا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ»

البته این خطبه در رابطه با خوارج نهروان بود که آمدند از سواد اعظمی که تابع امیرالمؤمنین بودند، جدا شدند و مسائل تفرقه و اختلاف را میان امت اسلامی مطرح کردند. حضرت در ادامه می‌فرماید:

«فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ [عَلَى] مَعَ الْجَمَاعَةِ»

همانا دست خدا با جماعت است.

«وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّادَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّادَّ مِنَ الْعَنَمِ لِلذُّنْبِ»

از تفرقه بپرهیزید، زیرا گروه اندک و ناچیز از امت اسلامی که فریاد مخالفت سر می دهند گرفتار شیطان می شوند همانطور که عده اندک از گوسفندان گرفتار گرگ می شوند.

عزیزان دقت کنند شاید بعضی افراد تصور کنند کلمه «الْجَمَاعَةُ» به معنای کثرت است. قرآن کریم در بسیاری از موارد کثرت را مذمت کرده است.

(وَ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ)

و بیشتر آنها نمی فهمند.

سوره مائده (5): آیه 103

یا:

(أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ)

و بیشتر آنها ایمان نمی آورند.

سوره بقره (2): آیه 100

و در مقابل می فرماید:

(وَ قَلِيلٌ مِنَ عِبَادِ الشُّكُورِ)

اما عده کمی از بندگان من شکرگزارند!

سوره سبأ (34): آیه 13

بنابراین جماعتی که حق با آنها باشد و معصوم در میان آنها باشد، جمعیت کم هم باشند حق هستند و زیاد هم باشند حق هستند.

همانطور که در حدیث: «علی مع الحق والحق معه یدور معه حیث دار» که ان شاءالله در جلسه بعد مفصل در مورد آن صحبت می‌کنیم، این قضیه مطرح شده است.

قرار بود ما امشب در این خصوص صحبت کنیم، اما به جهت اینکه آغاز هفته وحدت بود دوستان درخواست داشتند که ما قدری در این زمینه ورود داشته باشیم.

ان شاءالله در جلسه بعد، روایاتی که در کتب فریقین با سندهای صحیح و معتبر آمده است که نبی گرامی اسلام از خداوند می‌خواهد:

«یدور معه حیث دار»

خدایا حق را گرداگرد علی بچرخان هرکجا باشد.

به این معناست که اگر علی بن ابی طالب تنها باشد حق با اوست. اگر حضرت با دو نفر باشد حق با علی است و اگر با دو میلیارد نفر یا با جمعیت کره زمین هم باشند حق با آن بزرگوار است و در آن هیچ شکی نیست. «فخر رازی» تعبیری دارد و می‌نویسد:

«ومن اقتدی فی دینه بعلی بن ابی طالب فقد اهتدی»

هرکسی در دینش به علی بن ابی طالب اقتدا کند، هدایت یافته است.

التفسير الكبير أو مفاتيح الغيب، اسم المؤلف: فخر الدين محمد بن عمر التميمي الرازي الشافعي، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1421 هـ - 2000 م، الطبعة: الأولى، ج 1، ص 168، باب الحجة الحادية عشرة

به جهت اینکه پیغمبر اکرم فرمودند: «يدور معه حيث دار!» قطعاً هم دعای رسول گرامی اسلام در حق امیرالمؤمنین به اجابت رسیده است.

«على مع القرآن والقرآن مع على لن يتفرقا حتى يردا على الحوض»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج 3، ص 134، ح 4628

آقایان به کتب علمای اهل سنت مراجعه کنند. کتاب «مستدرک علی الصحیحین» هردو روایت را مفصل می‌آورد و می‌گوید هردو روایت صحیح است و شرایط کتاب «صحیح مسلم» را دارد.

بنابراین نظر امیرالمؤمنین این است. جالب اینجاست که حضرت در همین خطبه 127 بخش پایانی می‌فرماید:

«أَلَا مَنْ دَعَا إِلَيَّ هَذَا الشُّعَارِ فَأَقْتُلُوهُ وَ لَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي هَذِهِ»

آگاه باشید، هر که مردم را به این شعار دعوت کند، بکشیدش اگر چه زیر این عمامه باشد.

نهج البلاغة، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 184، خ

یعنی بحث وحدت میان امت اسلامی برای امیرالمؤمنین تا این اندازه اهمیت دارد. عرض کردم بحث اختلاف یک چیز است و بیان حقایق و انتقاد از غاصب و ظالم چیز دیگری است. کتاب «نهج البلاغه» هردو را برای ما بیان کرده و هردو را الگو قرار داده است.

همچنین ائمه اطهار (علیهم السلام) از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) تا امام حسن عسکری (علیه السلام) در میان اهل سنت بودند. همچنین اصحاب بزرگوار ائمه اطهار در میان اهل سنت بودند.

ائمه اطهار افراد توانمندی را برای مناظره تربیت کردند. اصحاب امام صادق همانند «هشام بن حکم»، «هشام بن سالم»، «مؤمن الطاق» و دیگر قهرمانان این میدان مناظره می‌کردند.

اصحاب ائمه اطهار حقایق را مطرح می‌کردند و حقانیت امیرالمؤمنین را اثبات می‌کردند، اما اهانت نمی‌کردند و فحش نمی‌دادند و ناسزا نمی‌گفتند و مقدسات دیگران را به استهزا نمی‌گرفتند.

مجری:

حضرتعالی فرمودید نیاز نیست انسان چیزی که باعث کینه توزی می‌شود را بیان کند، اما حقایق و روشنگری باید همیشه وجود داشته باشد.

دستور ویژه امام صادق (سلام الله علیه) به وحدت با اهل سنت!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اصلاً مشاهده کنید امام صادق تعبیری دارند. در کتاب «من لا یحضره الفقیه» یکی از کتب اربعه شیعه جلد اول وارد شده است که امام صادق به «زید شحام» می‌گوید:

«یا زَیْدُ خَالِقُوا النَّاسَ بِأَخْلَاقِهِمْ»

یا زید! تلاش کنید با مردم با اخلاق آنها معاشرت کنید.

این فرمایش حضرت خلی پیام دارد. حضرت می‌فرماید «خَالِقُوا النَّاسَ بِأَخْلَاقِهِمْ» نه «خالقوا الناس باخلاق ائمتکم»!

«صَلُّوا فِي مَسَاجِدِهِمْ وَ عُوذُوا مَرَضَاهُمْ وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ»

در مساجد اهل سنت نماز بخوانید و مریضانشان را عیادت کنید و در تشییع جنازه اهل سنت شرکت کنید.

«وَ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَكُونُوا الْأَئِمَّةَ وَ الْمُؤَدِّينَ فَافْعَلُوا»

اگر استطاعت داشتید که امام یا مؤذن نمازهایشان باشید، بایستید.

برخورد شما در میان اهل سنت باید به قدری درست و متین و زیبا و عام پسند باشد که آنها شما را به عنوان امام جماعت و مؤذن انتخاب کنند. این دستور امام صادق به ماست.

عرض کردم بحث‌هایی هست که شما بروید حقانیت خود و ضلالت دیگران را بیان کنید، اما مؤدبانه و علمی!

«فَإِنَّكُمْ إِذَا فَعَلْتُمْ ذَلِكَ قَالُوا هَؤُلَاءِ الْجَعْفَرِيَّةُ»

اگر برخورد شما چنین باشد می‌گویند که آنها تربیت شده امام جعفر صادق هستند.

«رَجِمَ اللَّهُ جَعْفَرًا مَا كَانَ أَحْسَنَ مَا يُؤَدِّبُ أَصْحَابَهُ»

خداوند امام جعفر صادق را مورد رحمت خود قرار بدهد، زیرا که اصحاب مؤدبی تربیت کرده است.

«وَ إِذَا تَرَكْتُمْ ذَلِكَ قَالُوا هَؤُلَاءِ الْجَعْفَرِيَّةُ»

اگر این کارها را نکنید، خواهند گفت که اینها جعفری هستند.

«فَعَلَ اللَّهُ بِجَعْفَرٍ مَا كَانَ أَشْوَأَ مَا يُؤَدِّبُ أَصْحَابَهُ»

خداوند امام جعفر صادق را نیامرزد، زیرا یارانش را بد تربیت کرده است.

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 1،

ص 383، ح 1128

مشاهده کنید که خوبی و بدی ما به حساب مولای ما نوشته می‌شود. این خیلی نکته ظریفی است. اگر اشتباه نکنم از قول امام رضا (علیه السلام) خطاب به یکی از هاشمیون که گاهی از اوقات شراب می‌خورد، آمده است:

«إِنَّ الْحَسَنَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ حَسَنٌ وَإِنَّهُ مِنْكَ أَحْسَنُ لِمَكَانِكَ مِنَّا»

کار خوب از همه خوب است، اما از شما هاشمیون خوبتر است زیرا به ما متصل هستید.

«وَإِنَّ الْقَبِيحَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ قَبِيحٌ وَإِنَّهُ مِنْكَ أَقْبَحُ»

کار بد از همه بد است، اما از شما بدتر است به جهت اینکه منصوب به ما هستید.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 47،

ص 349، ح 50

لذا ائمه اطهار می‌فرمایند:

«كُونُوا لَنَا زِينًا، وَلَا تَكُونُوا لَنَا شِينًا»

مایه زینت و افتخار ما باشید، مایه ننگ و عار ما نباشید.

الأمالی، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ص 440، ح 987

این روایات نشانگر این است که ائمه اطهار (علیهم السلام) کاملاً مباحث وحدتی را رعایت می‌کردند، با تکیه بر

نشر حقایق مذهب اهل بیت (علیهم السلام).

مجری:

بسیار عالی، خیلی واضح و روشن فرمودید و ان شاءالله بتوانیم دقیقاً همینگونه برای اهل بیت زینت باشیم و خدای ناکرده اعمال و رفتار ما طوری نباشد که برای ائمه اطهار محنت بار باشیم و نماینده خوبی برای اهل بیت نباشیم.

راجع به وحدت صحبت زیاد است و ان شاءالله مطرح خواهیم کرد، بعد از میان برنامه‌ای که می‌بینیم و برمی‌گردیم در محضرتان خواهیم بود.

عرض سلام مجدد دارم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر». همچنین بازهم این فرخنده ایام مبارک و میمون را خدمت همه شما عزیزان تبریک عرض می‌کنم.

تا اینجای برنامه راجع به کلیت بحث وحدت از منظر قرآن و روایات مطرح شد و تحلیل زیبایی که حضرت استاد نسبت به وحدت داشتند و زاویه نگاه ما را نسبت به این بحث دقیق‌تر و درست‌تر کردند.

حال می‌خواهیم خیلی جزئی‌تر وارد شویم. البته زیاد هم در مجامع علمی و غیر علمی و بعضی از کانال‌ها گاهی اوقات ممکن است بحثی پیش بیاید و هرکسی می‌خواهد برای استفاده شخصی خود مطلبی پیدا کند و آن را بیان کند.

حال اگر بخواهیم خیلی شسته و رفته از حضرت استاد این سؤال را داشته باشیم که نگاه اصلی مراجع نسبت به این بحث وحدت و اهل سنت چطور است؟! مراجع عظام تقلید چه بیاناتی دارند؟!

وحدت نظر مراجع عظام تقلید، پیرامون تقریب مذاهب اسلامی!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

نکته زیبایی است. بعضی از آقایانی که امروزه افراط گری می‌کنند یا باید خودشان مجتهد باشند و اجتهادشان به اینجا رسیده باشد که آن بحث دیگری است و فردای قیامت هم تنها خودش پاسخگوست. همچنین شاید مقلد است.

عمده کسانی هم که امروزه دست به تفرقه و اهانت می‌زنند، کسانی هستند که نه تنها از مسئله اجتهاد بهره‌ای ندارند بلکه حتی از مبانی شیعه هم اطلاعی ندارند. این افراد باید ببینند نظر مرجع تقلیدشان چیست.

اگر مرجع تقلیدشان دستور داد که مجالس عید الزهراء برگزار کنید و فحش بدهید و توهین کنید و ناسزا بگویید، انجام دهد. همچنین اگر مرجع تقلیدش این نظر را ندارد، باید فردای قیامت به فکر پاسخ باشد.

حضرت آیت الله العظمی سیستانی (حفظه الله تعالی) واقعاً افتخار جهان تشیع در عصر حاضر است.

آقای «خاشقچی» گفته بود: اهل سنت عراق باید بروند پای آیت الله العظمی سیستانی را بیوسند. اگر ایشان نبود، در اختلافی که بعد از نابودی صدام میان شیعه و سنی افتاد عراق به آتش کشیده می‌شد.

این بزرگوار بود که با این درایت خود شعله‌های آتش اختلاف شیعه و سنی را در عراق خاموش کرد. همه ما بارها این جمله را از ایشان شنیدیم که فرمودند:

«لا تقولوا إخواننا أهل السنة، بل قولوا أنفسنا أهل السنة»

نگویید برادران اهل سنت بلکه بگویید عزیزان اهل سنت.

ما این عبارت را زمانی در «شبکه جهانی ولایت» پخش کردیم و شبکه‌های وهابی گفتند که این عبارت سند ندارد. البته ما این عبارت را از سایت ایشان آوردیم.

بنده سال 1395 یا 1396 در نجف اشرف خدمت ایشان شرفیاب شدم. در آن جلسه بنده و آقازاده ایشان و شخص دیگری که معمولاً ملازم آیت الله العظمی سیستانی است، حضور داشتیم.

بنده از ایشان سؤال کردم بحثی که می گویند شما فرمودید: «لا تقولوا إخواننا أهل السنة، بل قولوا أنفسنا أهل السنة»، آیا این فرمایش شماست یا خیر؟!

خدایا تو شاهد باش که بنده این فرمایش را با دو گوشم از لبهای این بزرگوار شنیدم. ایشان فرمودند: بنده در همین جا در جمع علمای شیعه که یک نفر هم سنی نبود، به اینها گفتم: «لا تقولوا إخواننا أهل السنة، بل قولوا أنفسنا أهل السنة!»!

این مطلبی بود که بنده خودم آن را از لبهای ایشان شنیدم. در اولین جلسه‌ای هم که اینجا آمدم، این قضیه را مطرح کردم.

چند روز قبل هم آیت الله العظمی سیستانی فرمودند: همانطور که بارها گفته‌ام نگویید برادران اهل سنت، بلکه بگویید عزیزان اهل سنت.

ایشان بحث مفصلی دارند که بنده تنها قسمت پایانی فرمایش ایشان را که واقعاً مطلب بسیار خوبی است، مطرح می‌کنم.

«و ما أوصى به أتباعه و مقلّديه في التعامل مع إخوانهم من أهل السنه من المحبه و الاحترام»

آنچه وصیت من هست برای کسانی که در تعامل با برادران اهل سنت پیرو من هستند و از من تبعیت و تقلید می‌کنند این است که برخوردتان محبت آمیز و توأم با احترام باشد.

«و ما أكّد عليه مراراً من حرمة دم كل مسلم سنياً كان أو شيعياً»

خون هر مسلمانی محترم است، خواه سنی باشد یا شیعه باشد.

«و حرمة عرضه و ماله و التبرؤ من كل من يسفك دمأ حراماً أيّاً كان صاحبه»

و حرمت آبرو و مال هرکسی چه شیعه و سنی محترم است و ما باید از هرکسی که دست به خونریزی می زند تبری بجوییم.

مکتب السید السیستانی (دام ظلّه) النجف الاشرف؛ ۱۴ / المحرم / ۱۴۲۸، ۳/۲/۲۰۰۷؛ منبع: پایگاه خبری

تحلیلی فتن

این فرمایش آیت الله العظمی سیستانی است.

مجری:

فرمایش آیت الله العظمی سیستانی هم برای بنده و قطعاً هم برای بینندگان عزیز بسیار جالب و جذاب بود که با یک واسطه این جمله را شنیدیم.

الحمدلله بسیاری از شعله‌های بحث و جدلهایی هم که انجام می‌شود در بسیاری از اوقات با همین یک جمله خاموش می‌شود.

صد البته منش حضرتعالی هم در پاسخ دادن به عزیزان اهل سنت که تماس می‌گیرند و هر نوع مخالفی که تماس می‌گیرد تماماً برای بینندگان عزیز هم همیشه یک حجت و آینه بوده است که ببینیم چگونه باید برخورد داشته باشیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله. بنده بارها تحدی کردم و گفتم اگر کسی جمله‌ای بیاورد که بنده در طول بیست سال و اندی که در شبکه‌های مختلف بودم و برنامه داشتم به مقدسات اهل سنت توهین کرده باشم اولاً به ایشان جایزه می‌دهم و ثانیاً از اهل سنت عذرخواهی می‌کنم.

بنده دو سال قبل تلفنی با امام جمعه زاهدان صحبت داشتم. ایشان گفت: ما تا به حال از شما کوچکترین توهینی نسبت به اهل سنت نشنیدیم. من گفتم: این فضل و عنایت خداوند است.

این وظیفه ما هست و منتهی هم به اهل سنت نداریم. این توصیه ائمه اطهار و مراجع عظام تقلید است و ما داریم به وظیفه خود عمل می‌کنیم.

مجری:

الحمد لله عزیزان بیننده هم دیدند سعه صدر حضرتعالی در جواب دادن به مخالفین خیلی عالی است.

حضرتعالی به مخالفین بیشتر فضا می‌دهید و خیلی بیشتر از کسانی که ممکن است تماس بگیرند و یک کلمات موافقی داشته باشند، حضرتعالی بیشتر به دیگران اهمیت می‌دهید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله. زمانی که دوستان اهل سنت می‌آیند، ما به آنها بیشتر وقت می‌دهیم و تلاش می‌کنیم جوابشان را به تفصیل بدهیم. چه بسا چندین جلسه هم وقت بگذاریم تا شبهه‌ای که مطرح کردند حل شود.

حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی (حفظه الله تعالی) می‌فرماید:

«کل من یشهد بوحدانیه الله تعالی و برسالة خاتم الأنبياء فهو مسلم»

هرکسی که وحدانیت خداوند متعال و رسالت نبی گرامی اسلام را قبول کند مسلمان است.

بعضی افراد بر طبل اختلاف می‌کوبند و ادعا می‌کنند هیچ عالم شیعی نیست که باطناً اهل سنت را کافر نداند. این بحث‌ها الآن مطرح نیست! این فرمایشات مراجع عظام تقلید ماست.

«لذا فإنّ حياته محترمة و عرضه محترم و ماله محترم»

بنابراین زندگی او محترم است، آبرویش محترم است و مالش هم محترم است.

«و واجبکم الشرعی أن تحسنوا معاشرۃ الذین ینطقون الشهادتین و إن اعتقدوا بکفرکم»

بر مسلمانان و شیعیان واجب شرعی است که معاشرتتان با کسانی که شهادت به وحدانیت خدا و رسالت پیغمبر اکرم می‌دهند، نیکو باشد اگرچه آنها معتقد به کفر شما هستند.

ایشان حتی نسبت به وهابی تکفیری هم بر این عقیده هستند که واجب شرعی است معاشرت نیک داشته باشید. این فرمایش مراجع عظام تقلید است. همچنین آیت الله العظمی مکارم شیرازی می‌فرمایند:

«فإن ایهة إهانة لمقدّسات الأخرین لا تجوز شرعاً»

هر نوع اهانت به مقدسات دیگران شرعاً جایز نیست.

«و یجب علی المسلمین شیعة و سنة الحذر من الوقوع فی فحّ أعداء الإسلام»

و بر مسلمانان اعم از شیعه و سنی واجب است از اینکه در دام دشمنان اسلام بیفتند، اجتناب کنند.

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی همین فرمایشاتی که آیت الله العظمی وحید خراسانی داشتند را مطرح می‌کنند و می‌نویسند: هرکسی به وحدانیت خدا و رسالت پیغمبر اکرم گواهی می‌دهد، مسلمان است و زندگی و آبرو و مال او محترم است.

آیت الله العظمی شبیری زنجانی هم همین تعبیر را دارند و می‌نویسند:

«کلّ من ینطق بالشهادتین فهو مسلم - ما عدا النواصب و الخوارج»

غیر از نواصب و خوارج هرکسی شهادتین بگوید مسلمان است.

«و تجرى عليه أحكام الإسلام، كجواز تزويجه و استحقاقة الإرث و احترام حياته و ماله و غير ذلك من أحكام»

احكام اسلام بر اين افراد جارى است، ازدواج با آنها جايز است، ارث از يكدیگر می‌برند و زندگی و مال و دیگر احكام آنها محترم است.

آیت الله العظمی سبحانی (حفظه الله تعالى) از اساتید بزرگوار ما همین بحث را مطرح می‌فرماید و می‌نویسد خداوند عالم به مسلمانان دستور داده است به حبل الله تمسک بجویید.

ایشان در ادامه می‌نویسند: بحث تکفیر یک پدیده زشتی است. مسلمانان کسانی که خدا را به وحدانیت قبول دارند و اعتقاد به رسالت خاتم دارند، این افراد همگی در دایره اسلام هستند.

نظر مقام معظم رهبری هم کاملاً مشخص است. عزیزی از اهل سنت جلسه قبل زنگ زده بود و می‌گفت: شماها چند سال است به اهل سنت فحش می‌دهید!

برادر بزرگوار انصاف چیز خوبی است. یک آقای نادان و احقی در «شبکه فدک» شروع به توهین به عایشه کرد. مقام معظم رهبری بیانیه رسمی در محکومیت ایشان دادند، به طور که شیخ الأزهر رسماً از ایشان تشکر کردند.

شما چرا این مسائل را نادیده می‌گیرید؟! چند نفر افراط گرا همانند شیعیان انگلیسی و سنی‌های آمریکایی این اختلاف را به وجود می‌آورند و فحاشی می‌کنند.

شما چرا اینها را ملاک قرار می‌دهید؟! شما سخنان مراجع و بزرگان ما که این چنین از حقوق اهل سنت دفاع می‌کنند را مدنظر قرار نمی‌دهید؟!

اگر قرار باشد عده انگشت شماری که در انگلیس و آمریکا هستند را ملاک قرار دهید، ما هم مفتی اعظم عربستان سعودی را مدنظر قرار می‌دهیم که چه اهانت‌هایی نسبت به شیعه دارد.

«ابن تیمیه» و «محمد بن عبدالوهاب» وقیح‌ترین عبارات را نسبت به شیعه دارند و می‌گویند: تمام شیعیان نستجیر بالله زنازاده هستند!

اگر شما بخواهید چند نفر شیعه انگلیسی و آمریکایی را ملاک قرار بدهید، ما هم این افراد را ملاک قرار می‌دهیم.

قرار نیست ما قسمت معیوب و فاسد جامعه را ملاک قرار دهیم. افراد انگشت شمار نادان از شیعیان بحثی را مطرح می‌کنند و افراد انگشت شماری از اهل سنت هم بحثی را مطرح می‌کنند.

ما غیر از این بزرگواران فعلاً مرجعی نداریم. مراجع معاصر ما همین افرادی بودند که ما نظراتشان را مطرح کردیم. ما نظرات این مراجع را با تصویر سایتشان نشان دادیم.

عزیزان می‌توانند به سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» و سایت دفتر مراجع عظام تقلید نامبرده مراجعه کنند و ببینند این مباحث راست هست یا خیر!

مجری:

در جلسه قبل حضرتعالی همین مباحث را مطرح کردید و آن فرد سؤال پرسیده بود راجع به چیزی که پخش شده بود و فردی ادعا کرده بود که علما دارند تکفیر می‌کنند.

این مطالب جواب بسیار متقن و واضحی بود که ان شاءالله اگر فرصت شود بیشتر به این مبحث می‌پردازیم.

عزیزان بیننده همانطور که ملاحظه می‌فرمایید شماره‌ها زیرنویس شده است و چنین امکانی برای شما هست که تماس بگیرید و پیام خودتان را برای ما بگذارید تا در استودیو صدای شما را بشنویم.

همچنین اگر خواستید می‌توانید به صورت متنی با این شماره‌ها در ارتباط باشید. بازهم اگر فرصت شد ما این پیام‌ها را برای حضرت استاد خواهیم خواند و ان شاءالله پاسخش را دریافت خواهید کرد. یک میان برنامه می‌بینیم سپس در خدمتتان خواهیم بود.

عرض سلام مجدد دارم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر».

در ادامه فرمایشات حضرت استاد که راجع به مباحث وحدت چه نگاه قرآنی و چه از منظر تحلیل روایات بیانات بسیار شیوایی داشتند و کاملاً از فرمایشاتشان بهره مند شدیم.

بعد از آن موجز و قابل استفاده برای کسی که طالب حق و حقیقت است، بیان مراجع عظام تقلید انجام شد که حضرت استاد فرمودند.

کسانی که پیگیر برنامه بودند این مباحث را مشاهده کردند و افرادی هم که الآن به ما ملحق شدند چنین امکانی برایشان وجود دارد که در آرشیو سایت «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» این مطالب را پیگیری بفرمایند.

با توجه به اینکه عزیزان تماس‌هایی گرفتند و پشت خط هستند، اما سؤالی را به صورت مختصر از حضرت استاد پیرسیم و پاسخش را هم بشنویم، بعد از آن سریعاً به سراغ تماس‌هایی برویم که انجام شده است.

آن سؤال این است که در اصل وحدت، اختلاف اساسی بین شیعیان و اهل سنت چیست؟!

بی مهری به «حدیث ثقلین»، عامل اصلی اختلافات مذهبی!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اختلافی که میان شیعه و سنی هست که ما باید خیلی به آن دقت کنیم، بی توجهی و کم مهری عزیزان اهل سنت به توصیه نبی گرامی اسلام به ثقلین، کتاب و عترت است.

اگر این مسئله خوب حلاجی شود و ما به جای رفتن به سراغ صحابه، به طرف صحابه‌ای برویم که اهل بیت هم هستند قضیه روشن خواهد شد.

این افراد هم صحابی پیغمبر اکرم هستند و هم اهل بیت رسول گرامی اسلام هستند. همانطور که در روایت آمده است:

«أهل البيت أدرى بما فى البيت»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 78، ص 274، ح 32

رسول گرامی اسلام می‌فرماید:

« يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا: كِتَابَ اللَّهِ، وَعِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي»

من در میان شما دو چیز گرانبها به یادگار می‌گذارم، کتاب خدا و عترت و اهل بیتم. اگر به این دو تمسک کنید، هرگز گمراه نخواهید شد.

الجامع الكبير - سنن الترمذي؛ المؤلف: محمد بن عيسى بن سورة بن موسى بن الضحاك، الترمذي، أبو عيسى (المتوفى: 279هـ)، المحقق: بشار عواد معروف، الناشر: دار الغرب الإسلامي - بيروت، سنة النشر:

1998 م؛ ج 6، ص 131، بَابُ مَنَاقِبِ أَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ح 3786

در این صورت دیگر راه گمراهی بسته می‌شود. امروز شیعه خود را بر حق می‌داند، سنی خود را بر حق می‌داند، وهابی خود را بر حق می‌داند.

اشاعره می‌گویند ما بر حق هستیم، معتزله می‌گویند ما بر حق هستیم. همه خود را بر حق می‌دانند. حنبلی‌ها می‌گویند:

«ويلك من لم يكن حنبليا فليس بمسلم»

سير أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - 1413، الطبعة: التاسعة، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسی، ج 17، ص 625، باب 422 خاموش

این‌ها نشانگر این است که هرکسی خود را بر حق و دیگری را گمراه می‌داند. رسول گرامی اسلام می‌فرماید: من در میان شما چیزی به یادگار می‌گذارم که اگر به آن تمسک کردید، هرگز گمراه نخواهید شد؛ کتاب خدا و اهل بیت.

در کتاب «صحیح سنن ترمذی» روایتی آمده است که آقای «البانی» هم صحت روایت را تأیید می‌کند و می‌گوید: روایت صحیح است.

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي»

من در میان شما دو چیز به یادگار گذاشتم که اگر به آن تمسک کنید هرگز گمراه نمی‌شوید.

«أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ: كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ. وَعِزَّتِي أَهْلُ بَيْتِي»

حضرت در ادامه می‌فرماید:

«وَلَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ»

این‌ها از همدیگر جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض کوثر نزد من آیند.

«فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونِي فِيهِمَا»

ببینید به این توصیه من چطور عمل می‌کنید.

الجامع الصحيح سنن الترمذی، اسم المؤلف: محمد بن عيسى أبو عيسى الترمذی السلمی، دار النشر:

دار إحياء التراث العربي - بيروت --، تحقيق: أحمد محمد شاكر وآخرون، ج 5، ص 663، ح 3788

روایت دیگری در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» اثر «حاکم نیشابوری» جلد دوم صفحه 486 آمده است که حضرت می‌فرماید:

«وأهل بيتي أمان لأمتي»

اهلبیت من مایه امنیت امت من هستند.

«فإذا ذهب أهل بيتي أتاهم ما يوعدون»

ایشان در مورد سند روایت می‌نویسد:

«صحيح الإسناد ولم يخرجاه»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر:

دار الكتب العلمية - بيروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج

2، ص 486، ح 3676

«احمد بن حنبل» در کتاب «فضائل الصحابة» همین تعبیر را می‌آورد و می‌نویسد:

«وأهل بيتي أمان لأهل الأرض فإذا ذهب أهل بيتي ذهب أهل الأرض»

فضائل الصحابة، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت

- 1403 - 1983، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. وصی الله محمد عباس، ج 2، ص 671، ح 1145

جالب اینجاست که «حاکم نیشابوری» در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» جلد سوم صفحه 162 می‌نویسد:

«أهل بيتي أمان لأمتي من الاختلاف»

اهلبیت من مایه امنیت امت من از اختلاف هستند.

از این واضح‌تر؟! حضرت به چه زبانی مطرح کند؟! اگر می‌خواهید اختلاف نباشد، تفرقه نباشد و وحدت ایجاد شود باید به کنار مائده آسمانی اهلبیت بروید. حضرت به صراحت می‌فرماید که اهلبیت من مایه امنیت شما از اختلاف هستند.

«فإذا خالفتها قبيلة من العرب اختلفوا فصاروا حزب إبليس»

پس اگر گروهی از قبیله عرب با آنها مخالفت کند، در حزب شیطان داخل می‌شود.

در مورد سند روایت آمده است:

«هذا حدیث صحیح الإسناد ولم یخرجاه»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر:

دار الکتب العلمیة - بیروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج

3، ص 162، ح 4715

حضرت به صراحت می‌فرماید که مخالفت با اهلبیت ورود در حزب ابلیس است. آیا ما می‌توانیم از این واضح‌تر بیاوریم؟! در کتب شیعه هم الی ماشاءالله این روایت مطرح شده است و شاید سی یا چهل روایت در این زمینه آمده باشد.

این قضایا کاملاً واضح و روشن است. نکته سوم را هم مطرح می‌کنم سپس اگر عزیزان پشت خط هستند به تلفن‌هایشان پاسخ خواهیم داد.

در قضیه حدیث قرطاس پیغمبر اکرم فرمود: قلم و کاغذی بیاورید تا چیزی بنویسم که هرگز گمراه نشوید. در کتاب «معجم الکبیر» اثر «طبرانی» جلد 11 صفحه 36 می‌نویسد:

«اَتُّونِي بِكِتَابٍ أَكْتُبُ لَكُمْ كِتَابًا لَا تَخْتَلِفُوا بَعْدِي أَبَدًا»

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء - الموصل - 1404 - 1983، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج 11، ص 36، ح 10961

نبی گرامی اسلام به فکر وحدت اسلامی بودند و به اختلاف و وحدت اهمیت می‌دادند. همچنین در کتاب «مسند أحمد بن حنبل» جلد اول صفحه 293 آمده است که حضرت می‌فرمایند:

«اَتُّونِي بِكِتَابٍ أَكْتُبُ لَكُمْ فِيهِ كِتَابًا لَا يَخْتَلِفُ مِنْكُمْ رَجُلَانِ بَعْدِي»

قلم و کاغذی بیاورید تا برایتان وصیتی بنویسم که بعد از من دو نفر هم باهم اختلاف نکنند.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة - مصر، ج 1، ص 293، ح 2676

حضرت چه می‌خواستند بنویسند؟! بنده در جلسات قبل هم به این قضیه پرداخته‌ام، اما برای نمونه تنها یک مورد را به عزیزان بیننده نشان می‌دهم. در کتاب «فتح الباری» اثر «ابن حجر عسقلانی» جلد اول صفحه 209 آمده است:

«أراد أن ينص على أسامي الخلفاء بعده حتى لا يقع بينهم الاختلاف»

فتح الباری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار النشر: دار المعرفة - بیروت، تحقيق: محب الدين الخطيب، ج 1، ص 209، ح 114

حضرت می‌خواستند اسامی خلفای بعد از خود را بنویسند. همچنین آقای «قسطلانی» در کتاب خود جلد اول صفحه 207 می‌نویسد:

«أمر من يكتب لكم (كتابًا) فيه النص على الأئمة بعدى»

حضرت دستور دادند قلم و کاغذی بیاورید تا اسامی امامان بعد از خودم را بنویسم.

إرشاد الساری لشرح صحیح البخاری، المؤلف: أحمد بن محمد بن أبی بکر بن عبد الملك القسطلانی
القتیبی المصری، أبو العباس، شهاب الدین (المتوفی: 923 هـ)، ناشر: المطبعة الكبرى الأميرية، مصر،
الطبعة: السابعة، 1323 هـ ج 1، ص 207، ح 114

این در حالی است که پیغمبر اکرم بارها فرموده بودند و همگان شنیده بودند. حضرت می‌خواستند این مهم را مکتوب کنند.

اگر ما می‌خواهیم اختلافی پیش نیاید و وحدت واقعی درست شود، باید در کنار مائده آسمانی اهلبیت قرار بگیریم و مرجعیت علمی اهلبیت را بپذیریم.

ما تقاضا نداریم که شما دست از خلافت خلفای ثلاثه بردارید. شما مرجعیت علمی اهلبیت را بپذیرید، زیرا این آغاز کار است.

ما باید ببینیم برای نماز و روزه و زکات و حج و کارهای روزانه مان اهلبیت (علیهم السلام) چه برنامه‌هایی برای ما داشتند. ما آنها را ملاک قرار بدهیم، سپس پله پله جلوتر برویم. من در خدمت شما هستم.

مجری:

خیلی ممنون. مطالب را بسیار شیوا فرمودید، به طوری که در ضمن آنها متوجه شدیم که مایه شروع اختلاف از کجا بود. پس از آن ما همچنان به دنبال ایجاد چنین وحدتی خواهیم بود.

تماس بینندگان برنامه:

عزیزانی که پشت خط هستند. آقای نقیبی از مشهد پشت خط هستند. صدایتان را درون استودیو می‌شنویم و در خدمت شما هستیم:

بیننده (آقای نقیبی از مشهد - شیعه):

سلام عرض می‌کنم خدمت شما و همچنین کارشناس محترم حضرت آیت الله دکتر قزوینی. ان شاء الله همیشه سلامت باشید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

خواهش می‌کنم، آمین یا رب العالمین.

بیننده:

خیلی زیبا و شیوا بحث اتحاد بین مسلمین اعم از شیعه و سنی را بیان فرمودید. کاری که با ظهور و بروز جمهوری اسلامی کار قشنگی اتفاق افتاد. در حال حاضر بزرگداشت هفته وحدت در سراسر دنیا برگزار می‌شود.

دشمن از همین اتحاد مسلمین ترس و واهمه دارد که این همه ایران را سیل خود قرار می‌دهد.

در این میان حضرت استاد هم واقف هستند که بعضی از به ظاهر مسلمین که خود فرقه‌ای مبتدع هستند، این وسط موش می‌دوانند و بعضی از اعمال مسلمین را بدعت می‌دانند. یکی از آنها همین ایام میلاد رسول گرامی اسلام است.

سؤال اول که ما از این فرقه وهابی داریم، دلیلی است که «ابن تیمیه» و «محمد بن عبدالوهاب» هم آن را آورده‌اند و آن این است که می‌گویند:

«کل بدعة ضلالة»

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس، دار النشر: مؤسسة قرطبة - 1406، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ج 4، ص 155، فصل قال الراضی مع أنهم ابتدعوا أشياء واعترفوا بأنها بدعة

امور مستحدثه در دین بدعت است، بدعت ضلالت است و هرکسی هم که بدعت انجام دهد گمراه است و هر گمراهی هم در آتش جهنم است.

حال طبق استدلال خودشان نه استدلال اهل سنت که با ما در این قضیه همراه هستند، این است:

شما که می گوئید «کل بدعة ضلالة» نسبت به بدعت‌هایی که بعد از رسول گرامی در اسلام و حتی خلیفه دوم شما ایجاد شد و صحابی هم در قضایایی همانند قضیه جمع آوری قرآن کریم با او همراهی کردند، چه می گوئید؟!

آیا این قضیه بدعت هست یا بدعت نیست؟! اگر بدعت است که یقیناً با این استدلال شما بدعت است، زیرا عمر بن خطاب قرآن کریم را جمع آوری کرد در حالی که نه رسول الله دستور به انجام آن را داد و نه حضرت خود این کار را انجام دادند.

بنابراین بعد از این بزرگوار هرکسی این کار را انجام داد، کارشان بدعت است و این بدعت هم ضلالت است و کسانی که این کار را انجام می‌دهند در آتش جهنم هستند.

سؤال دوم این است که آیا رسول الله فرمودند یا دستور دادند یا انجام دادند که احادیثش را آتش بزنید یا شما از پیش خود احادیث رسول گرامی اسلام را آتش زدید؟!

شما باید جواب بدهید که چرا صحابی احادیث را نزد خلیفه دوم آوردند تا ایشان احادیث رسول الله را آتش بزند.

سؤال سوم این است که نماز تراویح که خلیفه شما می‌گوید بدعت خوبی است، در این جمله خلیفه دوم دو بدعت وجود دارد.

بدعت اول این است که ایشان نماز تراویح آورده که قبلاً نبوده و بدعت است. بدعت دوم این است که ایشان می‌گوید بدعت خوب و حسنه‌ای است. این در حالی است که شما می‌گویید کل بدعت‌ها ضلالت است.

با تشکر از حضرت استاد اینها چند سؤالی بود که امیدواریم وهابیت به آنها پاسخ بدهند. خیلی ممنونم، شب حضرتعالی بخیر.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

خیلی ممنون و متشکرم.

مجری:

طیب الله. ممنونم از شما که تماس گرفتید و با برنامه خودتان در ارتباط بودید. آقای احمدی از قم پشت خط هستند، صدای شما را داخل استودیو می‌شنویم و در خدمت شما هستیم:

بیننده (آقای احمدی از قم - شیعه):

سلام علیکم. خدمت استاد محترم و مجری محترم اولاً ولادت با سعادت نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) را تبریک عرض می‌کنم. امیدوارم با ظهور حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) عید واقعی برای ما بروز کند.

خدمت استاد عرض شود تمام مطالبی که استاد فرمودند خیلی زیبا بود، منتها در اینجا مشکلی هست.

آن مشکل این است که اگر ما حقایق را که در تاریخ اسلام اتفاق افتاده از غضب خلافت و ظلم‌هایی که به پیغمبر اکرم و اهل بیت صورت گرفته است گوشزد کنیم قطعاً به مزاج برخی افراد خوش نمی‌آید و ممکن است خلاف وحدت باشد.

اگر این مطالب را نگوئیم، حقایقی پوشیده می‌ماند که اینک بعضی افراد به خاطر نگفتن همین مطالب می‌گویند که شیعه و سنی هیچ فرقی با هم ندارند.

این مشکلی هست، منتها مسلم است که عقل و شرع و وجدان همه می‌خواهد که مسلمانان وحدت داشته باشند.

امروز تنها چیزی که دل کفار و اسرائیل و دشمنان اسلام را خوشحال می‌کند اختلاف مسلمانان است که در کشورهای اسلامی هم معلوم است.

همین الآن بنده شبکه‌ای را قبل از «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» نگاه می‌کردم. آن‌ها ویدئوهایی را از یک مکان مقدس پخش می‌کردند که واقعاً خجالت زده بودند و نباید پخش شود. بنابراین چنین قضایایی هم وجود دارد.

الحمدلله استاد هم که در جریان هستند علمای اسلام باید کارهایی از قبیل نوشتن کتاب‌هایی در خصوص وحدت یا برگزاری جلسات انجام شود.

معتقدات هرکسی برای خود محترم است، اما باید مشترکات و کلیات را بگیریم. خداوند یکی است، پیغمبر یکی است، قرآن یکی است و کعبه هم یکی است. بنابراین اختلاف برای چیست؟! التماس دعا، موفق باشید.

مجری:

آقای احمدی از شما خیلی تشکر می‌کنیم. آقای رشیدی از فارس هم پشت خط هستند. آقای رشیدی صدایتان را می‌شنویم و در خدمت شما هستیم:

بیننده (آقای رشیدی از فارس - شیعه):

سلام علیکم خدمت مجری محترم و آیت الله قزوینی.

مجری:

علیکم السلام.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله.

بیننده:

قربانتان بروم، ببخشید که مصدع اوقاتتان می‌شوم. من پیشنهادی داشتم، البته جسارت می‌کنم که می‌گویم. بنده به این جهت عرض می‌کنم که شاید بتوان قدمی مؤثر برداشت.

بنده می‌خواستم بگویم اکثر ما عامه مردم که داریم برنامه‌های شما را می‌شنویم و برنامه‌های شبکه‌های سنی مذهب یا معاند را می‌شنویم، عمدتاً از حقیقت دین اسلام یا کم اطلاع هستیم و یا بی اطلاع.

تنها زمانی می‌توان این مسئله را معلوم کرد و مردم را از این بلاتکلیفی و فرقه‌گرایی و امثالهم نجات داد که مابین خودتان و فقهای اهل سنت پیرامون چند موضوع کلیدی و اصلی که باعث بروز این نفاق از صدر اسلام تا امروز شده است، مناظره بگذارید.

از نظر بنده باعث بروز این فتنه‌ها عمدتاً از نظر من پیروان دروغین حضرت موسی هستند که در دین اسلام راه پیدا کردند. این در حالی بود که در قرآن کریم هم سوره‌ای به نام منافقون از طرف خداوند متعال مطرح شد.

به عقیده بنده اختلافات از بین نخواهد رفت مگر با مناظره با فقهای سرشناس اهل سنت، آن هم در سایه گفتگویی مؤدبانه که بوی تهمت و توهین از آن بلند نشود که باعث تحریک شیعه یا اهل سنت شود.

بنده چنین پیشنهادی داشتم، حال اگر قصوری هم در امری کردم به بزرگواری خودتان ببخشید. این پیشنهاد من بود، حال نمی‌دانم نظر خودتان چیست. پیشنهاد مرا تأیید می‌کنید یا خیر! شبتان بخیر باشد.

مجری:

چشم، ان شاءالله پیشنهاد شما را مطرح خواهیم کرد و تشکر می‌کنیم از اینکه با برنامه خودتان در تماس بودید. آقای بهادری از کرج پشت خط هستند. در خدمتتان هستیم، بفرمایید:

بیننده (آقای بهادری از کرج - شیعه):

سلام علیکم و رحمة الله خدمت حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی و جناب سید بزرگوار مرعشی.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله.

بیننده:

بنده هم هفته وحدت را خدمت همه مسلمانان اعم از عزیزان اهل سنت و برادران شیعه عرض تبریک دارم. حضرت آقا! در کتاب «صحیح بخاری» حدیث 4372 روایتی نقل شده است که «صحیح مسلم» هم آن را آورده است.

در خصوص «ثمامة بن أثال» نقل شده است که پیغمبر اکرم گروهی از خاندان بنی حنیفه فرستادند در این خصوص که چرا جلوی اسلام را گرفتید و برای چه با اسلام مقابله می‌کنید.

آقای «ثمامة بن أثال» را به ستونی بستند تا پیغمبر اکرم تشریف بیاورند و با ایشان برخورد کنند مبنی بر اینکه چرا مخالف ما هستید و مقابل حرکت اسلامی ایستادید.

زمانی که رسول خدا می‌آید، دستور می‌دهد که «ثمامه» را آزاد کنید. وقتی «ثمامه» آزاد شد، پیغمبر اکرم را دیدند و اخلاق نیکوی حضرت را مشاهده کردند. رسول الله شمشیر نداشتند.

«ثمامه» از مسجد خارج شد، به گوشه‌ای رفت و غسل کرد و گفت: «أشهد أن لا إله إلا الله و أشهد أن محمدا رسول الله».

او سپس به پیغمبر اکرم رو کرد و عرضه داشت: منفورتر از چهره تو نزد من وجود نداشت، اما الآن که شما را دیدم زیباترین چهره در نظرم آمد. هیچ دینی مثل دین اسلام تو، نزد من منفور نبود، اما الآن دین تو محبوب‌ترین دین نزد من است.

هیچ شهری منفورتر از شهر تو نزد من نبود، اما الآن محبوب‌ترین شهر و بلاد، شهر تو شهر مدینه است.

سؤال اینجاست که آیا امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) به همین‌ها عمل نمی‌کردند؟! صحبت حضرت را در میان خطبه قطع می‌کردند.

علی بن ابی طالب در حال خواندن نماز بودند، اما یکی از دشمنان امیرالمؤمنین سوره منافقون را می‌خواند به این معنا که ای امام تو منافق هستی!

اطرافیان به حضرت اعتراض می‌کردند که چرا با او برخورد نمی‌کنید. امیرالمؤمنین می‌فرماید: به این جهت که او قرآن می‌خواند.

امام می‌فرمودند: اجازه بدهید که من هم صحبت کنم. مشاهده کنید چقدر برخورد مؤدبانه است. اسلام این اخلاق را دوست دارد. کسی که قرآن کریم در مورد او می‌فرماید:

(وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ)

و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری.

سوره قلم (68): آیه 4

بهترین خلق‌ها را تو داری ای رسول خدا!

(لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ)

برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود.

سوره احزاب (33): آیه 21

اسوه و رفتار تو تماماً دین اسلام است. انتقاد و گله‌ای که بنده از برادران اهل سنت دارم، این است که در این هفته وحدت اهانت‌هایی که نسبت به پیغمبر اکرم در کتب صحاح شما آمده است، از کتبتان بردارید. امروزه عصر اینترنت و ماهواره است. امروزه مطالب در کتاب‌ها بسته نیست. شما هر مطلبی را می‌خواهید سرچ می‌کنید، به طوری که یک نوجوان با سرچ در اینترنت به وقایع تاریخی دست پیدا می‌کند. در کتب صحاح سته چه اهانت‌هایی به پیغمبر اسلام کردند و همین باعث می‌شود که یک شخص مشرک، کاریکاتور پیغمبر اسلام را می‌کشد. کتب صحاح سته بررسی می‌شود و این مطالب را استخراج می‌کنند. بر فرض مثال اگر بگویند آقای «بن باز» با شراب وضو می‌گرفت، والله تالله بالله اگر نسبت به آقای «بن باز» چنین حرفی را بزنند اهل سنت برخورد نمی‌کنند!؟

به عنوان مثال اگر به آقای عالم وهابی بگویند که تو ایستاده ادرار کردی. آیا او ناراحت نمی‌شود؟!

اگر به این عالم وهابی بگویند تو در موقع نماز خواندن آب دهان بیرون می‌انداختی یا طلا در دست داشتی یا در منزل سگ نگهداری می‌کردی یا ناسزا می‌گفتی یا شب به عروسی دیگران می‌رفتی در حالی که صبح نمازت قضا می‌شد آیا ناراحت نمی‌شود؟!

شما را به خدا به جهت اینکه پیغمبر اکرم از شما راضی باشد این مطالب را از کتبتان بردارید.

این مطالب بهتانی است که از زمان صهیونیسم تاریخی که دشمن اسلام بوده است، به پیغمبر ما زدند و بنی امیه را هم شعله ور کرده‌اند. این جعلیات بنی امیه و صهیونیسم تاریخی است.

پیغمبر ما پیغمبر اخلاق بود. رفتار و منش حضرت الگوی عالمیان بود. به خدا اسلام محاسن است، زیبایی است. اسلام عبوس نیست. اسلام کشتن و سر بریدن نیست. شاعر می‌گوید:

گفت که آبادی میخانه ز ویرانه ماست

جمعیت کفر از پریشانی ماست

اسلام به ذات خود ندارد عیبی

هر عیبی که هست از مسلمانی ماست

بنابراین حضرت استاد اسلام واقعی را باید در فعل و قول و اخلاق پیامبر و خاندان پاک آن بزرگوار جستجو کرد.

آن چیزی که از خشونت و قتل و تجاوز از اسلام می‌بینید، ربطی به اسلام ناب محمدی ندارد، بلکه مربوط به

اسلام بنی امیه است. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

جزاکم الله، احسنت احسنت. ممنون و متشکرم.

مجری:

ماشاءالله. تشکر می‌کنیم از آقای بهادری که بازم با برنامه خودشان تماس گرفتند و سخنان زیبا و سؤالات حقیقی که طبیعتاً مخاطب خود را بسیار سریع پیدا می‌کند را هم از زبان ایشان شنیدیم.

آقای مؤذن از تبریز پشت خط هستند. آقای مؤذن درون استودیو صدای شما را داریم و در خدمت شما هستیم:

بیننده (آقای مؤذن از تبریز - شیعه):

سلام علیکم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله.

بیننده:

عرض سلام خدمت حضرت آیت الله قزوینی و مجری محترم آقای مرعشی. بنده دو سه سؤال داشتم که مختصراً آنها را مطرح می‌کنم، سپس قطع می‌کنم اگر حضرت استاد صلاح دیدند پاسخ را بیان فرمایند.

یکی از سؤالات این است که وهابیت ادعا می‌کنند که شما از کجا می‌دانید پیغمبر اکرم می‌خواستند اسامی خلفای شیعه و امامان شیعه را در وصیت خود بفرمایند.

سؤال دوم این است که آیا ما باید تولی و تبری را اظهار کنیم و علنی باشد یا اینکه در قلبمان هم باشد یا بعد از نماز اظهار کنیم، کافی است؟!

سؤال سوم این است که آیا انبیاء و ائمه اطهار از امور دنیوی و پزشکی به اذن الله مطلع بودند؟! اگر مطلع بودند، چرا به پزشک مراجعه می‌کردند یا مثلاً کشاورزی می‌کردند؟!

البته سؤالات زیاد است، اما می‌خواستم استاد لطف بفرمایند به این چند سؤال بنده پاسخ بدهند. التماس دعا، یا علی مدد، خدانگهدار.

مجری:

سلامت باشید، خیلی ممنون از اینکه با برنامه خودتان تماس گرفتید. به نظرم تماس‌های تلفنی همین اندازه کفایت می‌کند و تا برسیم به اینکه جواب‌ها را بدهیم فرصت زیادی نداریم.

فرصت کم هست و عزیزان زیادی تماس گرفتند. عزیزانی هم پشت خط هستند، اما بعید می‌دانم بتوانیم در خدمتشان باشیم. در همان حدی که بتوانیم پاسخگو هستیم. آقای نقیبی اولین تماس را گرفتند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ایشان سؤالاتی از اهل سنت داشتند. سؤالات ایشان هم خیلی جالب بود. ایشان سؤالاتی داشتند که شبکه‌های وهابی یا کسانی که خود را مدافع اهل سنت می‌دانند، روی خط بیایند و به این سؤالات پاسخ دهند.

مجری:

بله، کاملاً واضح بود. ایشان دیدند چنین تریبونی در اختیارشان هست و می‌تواند بازتاب سخنانشان وجود داشته باشد. آقای نقیبی هم همانند آقای بهادری که تماس می‌گرفتند، تماس گرفتند و این سؤالات را مطرح کردند و کار پسندیده و نیکویی هم بود.

آقای احمدی تماس گرفته بودند و گفتند که اگر حقایق از غصب خلافت مطرح شود، عده‌ای به ما می‌گویند که شما با همین کارتان دارید شبهه افکنی و اختلاف افکنی می‌کنید.

جمع بین اینها چطور ممکن است که ما از یک طرف روشنگری را انجام دهیم و از طرف دیگر هم اختلاف افکنی ایجاد نشود؟!

کرسی های مناظره و آزاد اندیشی، راهی برای درمان تفرقه مذهبی!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آنچه مهم است و یکی از بینندگان عزیز ما هم بحثی داشتند در این خصوص است که مناظراتی صورت بگیرد. بنده معتقدم اگر فرمایشاتی که مقام معظم رهبری در تاریخ 1381/11/16 نسبت به نامه جمعی از دانش آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه پاسخ دادند، مورد توجه قرار بگیرد، به پاسخشان خواهند رسید.

آن‌ها تقاضا کرده بودند که در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه، کرسی آزاد اندیشی و مناظره صورت بگیرد. مقام معظم رهبری در جواب فرمودند: "آری نباید از آزادی ترسید و از مناظره گریخت و نقد و انتقاد را به کالای قاچاق یا امری تشریفاتی تبدیل کرد."

ایشان در ادامه در جواب می‌فرمایند: "چنانچه در نامه خود توجه کردید، برای بیدار کردن عقل جمعی، چاره‌ای جز مشاوره و مناظره نیست."

فرمایش ایشان فرمایش بسیار دقیقی است. ایشان همچنین می‌فرمایند:

"به نظر می‌رسد هر سه روش پیشنهادی شما یعنی تشکیل کرسی‌های نظریه پردازی، کرسی پاسخ به سؤالات و شبهات یا کرسی‌های نقد و مناظره روش‌هایی عملی و معقول باشند و خوب است که حمایت و مدیریت شوند."

ایشان در پایان هم می‌نویسند:

"من با چنین طرح‌هایی همواره موافق بودم و از آن حمایت خواهم کرد. از شورای محترم مدیریت حوزه علمیه قم می‌خواهم تا با اطلاع و مساعدت مراجع بزرگوار و محترم و با همکاری و مشارکت اساتید و محققین برجسته حوزه برای بالندگی بیشتر فقه و اصول و فلسفه و کلام و تفسیر و سایر موضوعات، تحقیق و تألیف دینی و نیز فعال کردن پاسخ به سؤالات نظری و عملی جامعه تدارک چنین فرصتی را ببینند."

اگر چنانچه یک کرسی آزاد اندیشی باشد، به طوری که علمای شیعه در یک طرف و علمای اهل سنت یا وهابیت در طرف دیگر باشند و یک بحث علمی صورت بگیرد کار مفیدی است.

در این صورت اگر ما یک جانبه مطرح کردیم، هرکسی چیزی می‌گوید و در نهایت می‌گویید که اصلاً با این وضع نمی‌شود و ما نمی‌توانیم.

بیا باید اصلاً بر مبنای کتاب‌های شما ما با همدیگر بحث کنیم. همانطور که مقام رهبری فرمودند، برای بیداری عقل جمعی غیر از مناظره و گفتگوی علمی راه دیگری نیست.

چرا باید ما بترسیم؟! چرا آن آقایان باید بترسند؟! چرا نباید فرمایش قرآن کریم یا نبی گرامی اسلام برای ما ملاک باشد، همانجا که فرمودند:

(وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ)

و ما یا شما بر (طریق) هدایت یا در ضلالت آشکاری هستیم.

سوره سبأ (34): آیه 24

رسول گرامی اسلام می‌فرمایند: آنچه برهان و حجت دارید را بیان کنید. یا من باطل و شما برحق هستید و یا شما باطل و من برحق هستم. ما باید بنشینیم و با همدیگر حرفمان را بزنیم.

(قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ)

بگو اگر راست می‌گوئید دلیل خود را (بر این موضوع) بیاورید.

سوره بقره (2): آیه 111

بیاید دلیل و برهانتان را برای ما بیاورید. ما فرزند دلیل و برهان هستیم. اگر این قضایا صورت بگیرد، به نظر من بسیاری از این اختلافات و بدبینی‌هایی که اهل سنت و شیعه به همدیگر دارند برطرف خواهند شد. نظر بنده این است که جلسه دوستانه علمی برگزار کنیم، نه جلسه چالشی و محکوم کردن و پیروز شدن.

مجری:

بسیار خوب. هم جواب آقای احمدی داده شد و هم جواب آقای رشیدی که گفته بودند مناظره برگزار شود. حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی هم بارها و بارها تأکید داشتند بر اینکه یکی از رسالت‌های این شبکه هم همین است.

بارها و بارها حضرت استاد و دیگر کارشناسان برنامه در همین برنامه تحدی کردند و گفتند که ما حاضر به مناظره هستیم، با این شرط که مناظره در شرایط مساوی و مناظره شبکه به شبکه.

همانطور که حضرت استاد تصریح کردند مناظره‌ای که بار علمی داشته باشد، نه مناظره‌ای که بخواهد خدای ناکرده به غرض‌های دیگر برگزار شود و به ناکجا آباد کشیده شود.

بعد از آن آقای بهادری تماس گرفتند و صحبت‌هایی داشتند که بسیار قابل استفاده بود و سؤال‌هایی داشتند که مخاطب خود را پیدا کردند. بعد از آن آقای مؤذن تماس گرفتند و راجع به اسامی خلفا شبهه‌ای مطرح کردند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

البته فرمایش آقای بهادری را در نرم افزار «الجامع الكبير» که متعلق به وهابیت است و عربستان سعودی آن را پشتیبانی می‌کند، مطالبی خدمت بینندگان نشان دهم.

در کتاب «صحیح بخاری» جلد چهارم صفحه 1589 حدیث 4114 همان تعبیر «ثامه» و عبارتی که ایشان نقل کردند، آمده است.

«صحیح بخاری» چاپ‌های مختلفی دارد و شماره‌هایشان هم با هم مختلف است. متأسفانه چاپخانه‌ها و انتشارات با همدیگر همخوانی ندارند. انتشارات مصر، بیروت و عربستان سعودی هرکدام به طرق مختلفی شماره زده است.

گاهی اوقات وقتی ما روایتی را آدرس می‌دهیم، افراد می‌گویند که به این کتاب مراجعه کردیم و این روایت را پیدا نکردیم.

بنده معمولاً شماره چلد و صفحه را از کتاب «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» چاپ دارالفکر بیروت را می‌دهم و شماره حدیث را هم از چاپ دارالطیبه عربستان سعودی می‌دهم.

مجری:

یکی از سؤالات آقای بهادری این بود که ما بخواهیم به ریشه اختلافات پردازیم و ببینیم در حقیقت چه کسی اهانت کرده است و به چه شخصیتی اهانت کرده‌اند.

ما در کتب صحاح سته بسیار می‌بینیم اهانت‌هایی به پیامبر عظیم الشان اسلام شده است که اگر به یکی از مفتی‌های خودشان شود، همگی فریاد «وا اسلاما» سر می‌دهند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بنده در بحثی که با دانشجویان دانشگاه أم القرى در طبقه بالای مسجد بیت الله الحرام داشتیم، به یکی از این دانشجویان گفتم: اگر کسی به تو بگوید که پدر تو در خیابان ایستاده بول می‌کشد، چکار می‌کنی؟!

او گفت: من ناراحت می‌شوم، این توهین است. بنده گفتم چطور در کتاب «صحیح بخاری» آمده است:

«أَتَى النَّبِيَّ سُبَّاطَةَ قَوْمٍ فَبَالَ قَائِمًا ثُمَّ دَعَا بِمَاءٍ فَجِئْتُهُ بِمَاءٍ فَتَوَضَّأَ»

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار

ابن کثیر، الیمامة - بیروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج 1، ص

90، ح 222

این روایت چند مرتبه در کتاب «صحیح بخاری» آمده است. فرمایش ایشان هم فرمایش متینی است. ما بارها گفتیم از بزرگواران و علمای اهل سنت می‌خواهیم نسبت به روایاتی که در کتب «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» آمده است، تجدید نظری کنند.

آقایان نسبت به دیگر کتب صحاح سته می‌گویند که آنها را بررسی سندی می‌کنیم، اما زمانی که به کتب «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» می‌رسند، دیگر بحث سندی را هم مطرح نمی‌کنند.

آنها می‌پندارند این کتب وحی منزل و اصح الکتاب بعد از قرآن هست. فرمایش ایشان فرمایش متینی است و آقایان اهل سنت باید وارد گود شوند.

مجری:

ما کمتر از دو دقیقه فرصت داریم. آقای مؤذن تماس گرفتند و راجع به اسامی خلفا و این که آیا تولی و تبری اظهار شود سؤالاتی پرسیدند. بحث دیگر ایشان این بود که آیا ائمه اطهار از علوم دنیوی مطلع بودند یا خیر؟! آیا به پزشک مراجعه می‌کردند یا خیر؟!

البته فرصت بسیار بسیار کم است. اگر فرصتی باشد بسیار مختصر به این سؤالات پاسخ دهید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اولاً تولى و تبرى قلبى است. لازم نیست تولى و تبرى به زبان بیاید، اضافه بر این اگر تبرى به زبان بیاید و موجب فتنه باشد مصداق فرمایش قرآن کریم است که می‌فرمایند:

(وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ)

و فتنه (و بت پرستی) از کشتار هم بدتر است!

سوره بقره (2): آیه 191

در رابطه با اینکه آیا اسامی ائمه اطهار آمده است یا خیر، باید بگوییم که اهل سنت خود اسامی ائمه اطهار را آورده‌اند.

ما در جلسات قبل هم از کتب اهل سنت اسامی ائمه اطهار از امیرالمؤمنین و امام حسن مجتبی و امام حسین و امام سجاد تا حضرت ولی عصر را نشان دادیم، نه از کتب شیعه.

ما گفتیم از کتب شیعه نزدیک به سیصد روایت جمع کردیم که اسامی ائمه اطهار در این روایات آمده است.

آیا ائمه اطهار (علیهم السلام) از علوم دنیوی مثل پزشکی مطلع بودند؟

در خصوص این سؤال که ائمه اطهار از علوم دنیوی مطلع بودند یا خیر؛ انبیاء و ائمه اطهار (علیهم السلام) مخزن علم و اسرار الهی هستند. آن بزرگواران نه تنها از علوم دنیوی باخبر هستند، بلکه از تمام آفرینش و علل و معلول باخبرند.

ائمه اطهار حتی مطلع هستند که اصلاً گیاهان چه خواصی دارند و تمامی آنها را به اذن الله تبارک و تعالی می‌دانند. دانستن این علوم به این معنا نیست که ائمه اطهار از علومشان استفاده شخصی کنند. در قرآن کریم آمده است که پیغمبر اکرم می‌فرماید:

(وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَأَسْتَكْثِرْتُ مِنَ الْخَيْرِ)

و اگر از غیب با خبر بودم منافع فراوانی برای خود فراهم می‌ساختم.

سوره اعراف (7): آیه 188

علم غیب رسول گرامی اسلام دست خداوند متعال است. هرکجا خداوند اجازه دهند حضرت از آن استفاده می‌کنند و هرکجا اجازه ندهند استفاده نمی‌کنند.

حضرت عیسی مُرده را زنده می‌کردند. آیا جایز بود کسی به ایشان عرضه بدارند: شما که مردگان را زنده می‌کنید، چرا اجازه دادید مادران از دنیا بروند؟! چرا حضرت مریم را زنده نکردی؟! اصلاً جلوی مرگ خود را بگیر!

مجری:

اصلاً همین که شبیه هم باشند و همین که قرآن کریم می‌فرمایند:

(وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ)

و در بازارها راه می‌رود؟

سوره فرقان (25): آیه 7

باشند، همین اختلافشان با مردم است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ائمه اطهار و انبياء الهی باید برای ما الگو باشند. اگر قرار باشد ائمه اطهار (علیهم السلام) در هنگام بیماری خود از علم غیبی که دارند استفاده کنند و دیگر به دکتر مراجعه نکنند، دیگر آیه شریفه:

(لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ)

معنا پیدا نمی‌کند. این دیگر چه اسوه‌ای است؟! بنابراین ائمه اطهار (علیهم السلام) در مسائل زندگی همانند مردم عادی بودند تا برای ما الگو باشند، اما ارتباطشان با عالم غیب و عالم وحی کامل بوده است.

ائمه اطهار ولایت مطلقه بر تمام امور تکوین و تمام امور تشریح دارند، نه اینکه اطلاع دارند. ائمه اطهار ولایت مطلقه دارند! حضرت عیسی کور مادرزاد را شفا می‌دهد. قرآن کریم هم می‌فرماید:

(وَ أُنزِلُ الْأَكْمَةَ وَ الْأَبْرَصَ وَ أَخِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ)

و به اذن خدا، کور مادرزاد و مبتلایان به برص [پیسی] را بهبودی می‌بخشم، و مردگان را به اذن خدا زنده می‌کنم.

سوره آل عمران (3): آیه 49

حضرت عیسی با یک «یا الله» گفتن کور مادرزاد را شفا می‌دادند. اگر بنابراین باشد در زمان حضرت عیسی دیگر بیمارستان و دکتر و دارو نباشد.

در مواردی است که اقتضا می‌کرد خداوند عالم به ائمه اطهار اذن داده بود از علم خود استفاده می‌کردند. همچنین زمانی که خداوند به آنها اذن نداده بود همانند مردم عادی به پزشک مراجعه می‌کردند و به اصحاب هم توصیه می‌کردند به پزشک مراجعه کنند.

بنده چند ماه قبل عرض کردم یکی از انبیاء بیمار شد و عرضه داشت: خدایا! تنها تو مرا شفا بده. خداوند عالم فرمودند: شفا را من آفریدم و این دوا را هم من آفریدم. تا زمانی که دکتر نروی و دارو نخوری، من تو را شفا نخواهم داد.

مجری:

احسنتم، بسیار خوب. بسیار بهره مند شدیم و از محضرتان استفاده کردیم. ان شاءالله در شبهای آینده هم بتوانیم بیش از پیش بهره مند شویم.

با تمامی شما بینندگان عزیز هم که تا انتهای برنامه همراه ما بودید خداحافظی می‌کنم. ان شاءالله که هفته پیش رو هفته مبارک و میمونی برای همه ما باشد.

اللهم اجعل محیانا محیا محمد و آل محمد اللهم اجعل مماتنا ممات محمد و آل محمد اللهم صل علی محمد و

آل محمد

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته